

## شناسایی مؤلفه‌های تأثیرگذار سرمایه اجتماعی بر اقتدار ملی جمهور اسلامی ایران (مطالعه موردی: اساتید دانشگاه شهید چمران اهواز)

دکتر احسان کاظمی<sup>۱</sup>

تاریخ وصول: ۹۹/۵/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۳/۱۹

### چکیده:

نظام‌های سیاسی همواره بعد از تشکیل حکومت به دنبال تحقق اهداف و آرمان‌های خود هستند، با این حال صرف تشکیل حکومت‌ها نمی‌تواند منجر به تحقق اهداف و آرمان‌ها شود؛ لازمه تحقق اهداف و آرمان‌ها کسب اقتدار سیاسی و اقتدار ملی می‌باشد. هدف اصلی این مقاله شناسایی مؤلفه‌های تأثیرگذار سرمایه اجتماعی بر اقتدار ملی جمهور اسلامی ایران است که با روش پیمایشی و استفاده از ابزار پرسشنامه انجام گرفت. جامعه آماری مورد مطالعه اساتید دانشگاه شهید چمران اهواز می‌باشند. تعداد ۱۵۰ نفر بر اساس برآورد نمونه‌گیری با استفاده از نرم‌افزار *SPSS Sample Power* در مسیر تحلیل توان (*Power*) انتخاب گردید. تحلیل‌های آماری با استفاده از نرم‌افزار *SPSS* انجام گرفت. بر اساس یافته‌های به‌دست آمده، مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی یعنی مشارکت سیاسی ( $F=0/35$ )، اعتماد سیاسی ( $F=0/45$ )، انسجام ملی ( $F=0/26$ )، حمایت اجتماعی ( $F=0/38$ )، امنیت اجتماعی ( $F=0/78$ ) و مسئولیت‌پذیری اجتماعی ( $F=0/67$ ) در تحقق اقتدار ملی تأثیرگذار می‌باشند. همچنین نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون نشان می‌دهد که چهار متغیر اعتماد سیاسی، انسجام اجتماعی، امنیت اجتماعی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی به ترتیب بیشترین اهمیت را در پیش‌بینی متغیر وابسته یعنی اقتدار ملی داشته‌اند.

مفاهیم کلیدی: سرمایه اجتماعی، اقتدار ملی، امنیت اجتماعی، مشارکت سیاسی

---

<sup>۱</sup> استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران e.kazemi@scu.ac.ir

## مقدمه و بیان مسأله

با پیروزی انقلاب اسلامی، به دلیل ماهیت عمیقاً متفاوت و متضاد آن با نظم موجود نظام بین‌الملل، از شرق و غرب در برابر آن صف‌آرایی کردند و برای سرکوب شور انقلاب از هیچ عملی دریغ نکردند. از همین‌رو نیروهای انقلاب اسلامی به تدریج با واقعیت‌های دشوار جهان سیاست روبه‌رو می‌شوند و از برهه‌ای به بعد نیروهای انقلاب، تغییر راهبرد می‌دهند و به‌منظور پیشبرد اهداف متعالی انقلاب اسلامی، دست یازیدن به سیاست‌ورزی و بنیان‌گذاری حکومت و ساماندهی مشروع قدرت سیاسی در راستای اهداف متعالی انقلاب اجتناب‌ناپذیر می‌شود. فردای انقلاب که نظام سیاسی برآمده از آن ثبات یافت، به‌منظور وصول به ارزش‌ها، غایت‌ها و آرمان‌های متعالی انقلاب، اهداف نظام سیاسی در سطح ملی، منطقه‌ای و جهانی تقریر یافت. وصول به اهداف تعریف‌شده که خود در راستای غایات تاریخی تعریف شده است، به‌خودی خود ممکن نبود و نیست و این مهم به گستره فرصت‌ها، توانایی‌ها و اقتدار نظام سیاسی بستگی مستحکم دارد، به بیان دیگر به میزان گسترش اقتدار ملی جمهوری اسلامی به‌عنوان یک الگوی سیاسی پیشرو در امر حکمرانی، امکان دسترسی به غایات و آرمان‌های متعالی و منافع انقلاب و اهداف تعریف‌شده ممکن و میسر می‌شود. در واقع دستیابی به اقتدار در سه سطح ملی، منطقه‌ای و جهانی شرط ضروری تحقق اهداف انقلاب می‌باشد. اقتدار به‌خودی خود ظهور نمی‌یابد، بلکه محصول عوامل مختلفی همچون سرمایه اجتماعی می‌باشد.

هر نظام سیاسی برای تقویت اقتدار ملی خویش، مسئولیت‌های خرد و کلانی را بر عهده دارد که الزاماً کارکردهای نظام را تحت تأثیر مستقیم قرار می‌دهد، لذا پایداری، ثبات و اقتدار یک نظام سیاسی منوط به عوامل گوناگونی است که در کنار هم نظم و ساختاری را پدید می‌آورند که در فرایندی شفاف، هویت خویش را حفظ و پویایی آن را تضمین می‌بخشد. نظم، سازماندهی و بهره‌مندی از الگویی دقیق در کنار طراحی راهبردهای روزآمد و کارآمد که متضمن حفظ روند رو به تعالی و کسب توانایی در ابعاد مختلف قدرت ملی باشد و از دیگر سو پاسخگوی نیازهای روز باشد از مقدمات و مقومات بنیادین اقتدار ملی است. بدیهی است فرآیند دستیابی به اقتدار ملی فرآیندی پیچیده است که صرفاً با اتکا به الگوهای توسعه قابل حصول نیست. گام نخستین در این فرآیند پیچیده ادراک صحیح از بنیان‌ها، ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌هایی است که زیرساخت‌های مفهومی این پدیده را در قالبی دقیق و عملیاتی، مشخص ساخته و از ابهامات و ادراکات پراکنده ممانعت نماید. هر نوع ابهام در تفهّم و شناخت این بنیان‌ها یا ضعف در پوشش مناسب به تمامی ابعاد و

مؤلفه‌ها و سرمایه‌گذاری مناسب برای تواناسازی آنها یا غفلت در برآورد از وضعیت و روند جاری مؤلفه‌ها و شاخص‌های سیاسی در عرصه‌های نظری، گفتمانی و راهبردی نه تنها فرآیند کسب اقتدار و پایداری اقتدار را با اختلال مواجه می‌سازد بلکه حفظ موجودیت و استواری نظام را با چالش‌های متفاوت همراه می‌سازد.

در این میان مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی مانند اعتماد، مشارکت، امنیت، انسجام، مسئولیت‌پذیری اجتماعی در تحقق اقتدار ملی از وزن بالایی برخوردار می‌باشند که کارکردهای نظام را نیز تحت تأثیر مستقیم قرار می‌دهند. سرمایه‌ی اجتماعی از تجمیع و تعامل سرمایه‌های معنوی، فیزیکی، انسانی و فرهنگی زاده و بارور می‌شود (منابع هویت و منابع معرفت)، و بستر حرکت جامعه را به سوی آینده می‌سازد. سرمایه‌ی اجتماعی از مجموعه هنجارها و ارزش‌های موجود در سیستم‌های فکری، علمی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی جامعه منتج می‌شود و این هنجارها و ارزش‌ها نیز حاصل تأثیر نهادهای اجتماعی و اقتصادی، نوع نظام سیاسی و روابط انسانی است که ویژگی‌های اعتماد متقابل، تعامل اجتماعی متقابل گروه‌های اجتماعی، احساس هویت جمعی و گروهی، احساس وجود تصویری مشترک از آینده و کار گروهی و تیمی از نقاط کانونی آن به شمار می‌روند.

در همین راستا هدف این پژوهش آن است که سهم و نقش سرمایه‌ی اجتماعی را در تدارک اقتدار ملی بسنجد، بر این اساس مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی بیان‌کننده‌ی این واقعیت است که مقولاتی چون اعتماد، مشارکت، مشروعیت، ارزش‌ها و هنجارها دارایی‌های مهمی را تشکیل می‌دهند که می‌تواند سهم مهمی در تدارک اقتدار ملی برای نظام سیاسی و افزایش قابلیت‌های آن داشته باشد از این منظر سرمایه‌ی اجتماعی می‌تواند پایداری، ثبات و اقتدار یک نظام سیاسی را در سطوح داخلی و بین‌المللی در حد بسیار بالایی تضمین کند.

### اهمیت و ضرورت پژوهش

امروزه اقتدار ملی برای هر کشوری از اهمیت بالایی برخوردار است و نظام‌های سیاسی می‌کوشند روزه‌روز بر اقتدار خود در عرصه‌های گوناگون بیفزایند. برخی تنها اقتدار را در بُعد نظامی برای یک کشور کافی می‌دانند، اما به اعتقاد اکثر کارشناسان اگر کشوری می‌خواهد به معنای حقیقی کلمه در جهان مقتدر باشد تنها نباید به بُعد نظامی بسنده کند بلکه باید در دیگر عرصه‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی نیز دارای اقتدار باشد. به بیان دیگر تحقق اقتدار ملی ملزومات خاصی دارد که کشف و چگونگی تبدیل

آن‌ها به اقتدار ملی اولویت و ارجحیت دارد. تقویت گزاره‌های مرتبط با سرمایه اجتماعی یکی از این ملزومات است که ارتقاء و ثبات مؤلفه‌های اقتدار ملی را به همراه خواهد داشت. سرمایه اجتماعی با تولید و توزیع آموزه‌ها و ارزش‌های خاص و جذاب، بنیان‌های ارزشی و ارکان کشور را تقویت کرده و در راستای وضعیت مطلوب قرار می‌دهد (Ghorbani *Sheikhunshin & et. al., 2011: 19*). شاخص‌هایی همچون مشارکت سیاسی، اعتماد سیاسی، انسجام داخلی، امنیت اجتماعی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی، کارآیی دولت و حاکمیت قانون می‌تواند نقشی مؤثر و افزایش‌دهنده در تولید اقتدار ملی داشته باشد که طبیعتاً این انسجام و همبستگی داخلی می‌تواند عاملی مهم در سیاست خارجی و تأمین منافع ملی و کسب پرستیژ و مشروعیت در نظام بین‌الملل باشد.

نادیده گرفتن ضرورت و اهمیت این پژوهش می‌تواند منجر به پراکندگی و عدم تمرکز در حوزه‌ی کیفی‌سازی مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی و همچنین فقدان راهبردهای مشخص جهت نیل به اقتدار ملی شود، بالعکس چنانچه مؤلفه‌های تأثیرگذار سرمایه‌ی اجتماعی بر اقتدار ملی شناسایی و در جهت تقویت آن‌ها تلاش شود تحقق اقتدار ملی جمهوری اسلامی ایران را در سطح داخلی و بین‌المللی بدنبال خواهد داشت.

#### پیشینه پژوهش

فرایند دانش، تراکمی است و هر چه بر حجم این تراکم افزوده می‌شود نهاد دانش به سمت تکامل و پیچیدگی و تخصصی شدن، میل روزافزون داشته است. از آنجایی که هر پژوهش، علیرغم اینکه خود سخنی جدید دارد و روش‌های دقیق‌تری را در شناخت پدیده مورد مطالعه به کار می‌گیرد، ولی باید متکی به دستاوردهای پیشین باشد. نیومن<sup>۱</sup> بر این باور است که پژوهش علمی فعالیتی جداگانه نیست که از یافته‌های دیگران چشم‌پوشی کند، بلکه تلاش جمعی از محققان است که هدف مشترکی دارند و به دنبال دانش مشترک می‌باشند (Neuman, 1994: 80). لذا در جدول ۱ به برخی از مهم‌ترین پژوهش‌های صورت گرفته که ارتباط نزدیکی با پژوهش حاضر دارند اشاره می‌شود:

<sup>۱</sup> Neuman

## جدول ۱: پیشینه‌ی مطالعات داخلی و خارجی صورت گرفته

Table 1: Background of Internal and External Studies

نویسنده [گان]	سال پژوهش	عنوان پژوهش	نتایج پژوهش
Masumi and Padashi	2018	تأثیر سرمایه‌ی اجتماعی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران	هرچقدر سرمایه‌ی اجتماعی و مؤلفه‌های آن اعم از مشارکت، اعتماد و انسجام اجتماعی تقویت یابد باعث ارتقای امنیت در سطح کشور می‌شود. بنابراین سرمایه‌ی اجتماعی بر امنیت ملی تأثیر مستقیم می‌گذارد
Agha Hosseini & et al	2013	بررسی رابطه بین سرمایه‌ی اجتماعی و مشروعیت نظام سیاسی (مطالعه موردی: دانشگاه اصفهان)	بین دو متغیر سرمایه‌ی اجتماعی و مشروعیت نظام سیاسی کشور ارتباط معناداری وجود دارد. این معناداری در جامعه‌ی مورد مطالعه بدین صورت است که سرمایه‌ی اجتماعی با مشروعیت سیاسی در دو بعد عقلانی و کاریزماتیکی آن رابطه‌ی معناداری دارد، اما با بعد سنتی از مشروعیت سیاسی این معناداری وجود ندارد
Narimany	2016	تأثیر مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی بر همدلی و هم‌زبانی و قدرت ملی	متغیرهای میزان اعتماد مردم و مسئولان و انسجام مردم و مسئولان بیشترین تأثیر را بر قدرت ملی در ج.ا. ایران را دارند
Nazari et al	2015	تأثیر مشارکت سیاسی بر امنیت ملی	یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین عوامل برقراری وفاق اقتدار و ارتقای ضریب امنیت ملی مشارکت در صحنه‌های گوناگون ملی است مشارکت در واقع تجلی مشروعیت حاکمیت و ضامن تأمین و ثبات است زیرا مشارکت مردمی می‌تواند به مشابه مؤثرترین و مناسب‌ترین پشتوانه برای حل و فصل معضلات و بحران‌های سیاسی - اجتماعی و امنیتی مورد استفاده قرار گیرد هر دولتی که بتواند جلوه‌های بیشتری از همکاری و همدلی توده‌های مردمی را در ابعاد سیاسی اجتماعی اقتصادی و بخصوص در دفاع از کشور و حکومت در مقابل تهدیدات داخلی و خارجی جلب نماید در جامعه‌ی بین‌المللی از اعتبار شخصیت و موقعیت رفیع‌تری برخوردار می‌گردد
Khan	2010	مؤلفه‌های نظری «اقتدار ملی» در سیاست خارجی اسلامی، با تأکید بر اندیشه‌های امام خمینی (ره)	بر اساس ارکان ساختار تفکر اجتماعی شیعه، یعنی «خدمت‌جویی» و «تکلیف‌گرایی»، اندیشه امام (ره) در سیاست خارجی به چهار مؤلفه‌ی نظری، یعنی «نفی سبیل»، «ظلم‌ستیزی»، «عزت اسلامی و سیادت دینی» و «دعوت به

نویسنده [گان]	سال پژوهش	عنوان پژوهش	نتایج پژوهش
			اتحاد مسلمین»، رهنمون شده است
<i>Hayat Moghaddam &amp; et al</i>	2017	شناسایی عوامل مرتبط با مخلفه دفاعی - امنیتی جهت استحکام ساخت درونی قدرت نظام با تأکید بر منویات فرماندهی معظم کل قوا	بر اساس منویات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) جنبه‌های معنوی و مادی مؤلفه‌ی دفاعی - امنیتی به ترتیب اولویت عبارتند از: اسلام‌خواهی، عزم ملی، ایستادگی و اقتدار ملی، دانش و فناوری درون‌زا، قوای مسلح قوی، خودکفایی، ظرفیت‌های بالقوه‌ی درونی، حفظ انسجام و وحدت ملی، آرمان‌گرایی در هدف و واقع‌گرایی در عمل و مدیریت جهادی
<i>Ahmadi</i>	2016	شناسایی مؤلفه‌های اجتماعی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران	جمهوری اسلامی ایران با برخورداری از مؤلفه‌هایی همچون بنیاد مستحکم خانواده، جامعه‌ی اخلاقی، عدالت اجتماعی، امنیت اجتماعی، وحدت و انسجام اجتماعی، روحیه‌ی ملی، سرمایه‌ی اجتماعی و موقعیت و رکوردهای ورزشی در زمینه‌ی مؤلفه‌های اجتماعی قدرت نرم از توانمندی نسبتاً مناسبی در سطح منطقه‌ی خاورمیانه و جهان اسلام برخوردار است
<i>Parsa</i>	2013	راهبردهای ارتقاء قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در محیط بین‌الملل بر مبنای آراء و نظرات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)	با استناد به سخنان مقام معظم رهبری مهم‌ترین راهبردها در حوزه‌ی مسائلی همچون حمایت از مظلومان و محرومان عالم، وحدت جهان اسلام، پرهیز از تفرقه، آگاهی‌بخشی نسبت به جنگ نرم دشمن، حمایت از جریانان سلطه و ظلم‌ستیز، نفی امپریالیسم و صهیونیسم، نفی رژیم‌های وابسته و اقتدارگرا در جهان اسلام و حمایت از مردم‌سالاری دینی و ... جای می‌گیرد، استناد بر این اصول همه جنبه‌هایی از منظومه‌ی فکری مقام معظم رهبری در مورد قدرت نرم می‌باشد
<i>Hooghe &amp; Kern</i>	2017	سرمایه‌ی اجتماعی و توسعه‌ی حمایت سیاسی در اروپا	کاهش مشروعیت سیاسی به دلیل کاهش سرمایه‌ی اجتماعی است. بین مشارکت سیاسی از یک‌سو و رضایت از دموکراسی و اعتماد سیاسی به حکومت از سوی دیگر، همبستگی واضح و قابل توجهی وجود دارد
<i>Hetherington</i>	1998	اهمیت اعتماد سیاسی	کاهش اعتماد سیاسی یک دلیل قوی برای نارضایتی است. اعتماد پایین به ایجاد یک محیط سیاسی می‌انجامد که کار نظام‌های سیاسی را برای موفقیت بیشتر سخت می‌کند

مطالعات مذکور محقق را در طراحی فرضیه‌ها، متغیرها و روش بکار گرفته یاری نموده و هر کدام تلاشی ارزشمند برای درک سرمایه‌ی اجتماعی و اقتدار ملی به گونه‌ای متفاوت بوده‌اند. اما با این وجود هیچ‌کدام نتوانسته‌اند به بررسی کامل جنبه‌های مختلف موضوع پژوهش حاضر بپردازند. تفاوت پژوهش حاضر با پژوهش‌های انجام شده در حوزه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی و اقتدار ملی در این می‌باشد که هیچ‌کدام از این مطالعات اولاً نقش سرمایه‌ی اجتماعی بر تحقق اقتدار ملی را بررسی ننموده‌اند؛ ثانیاً این پژوهش برای اولین بار است که متغیر وابسته پژوهش یعنی اقتدار ملی را به صورت پیمایش مورد سنجش قرار می‌دهد. این دو وضعیت خلأ پژوهشی را باعث شده است که مقاله فرارو در صدد رفع آن‌ها می‌باشد.

### سؤال‌های پژوهش

#### سؤال اصلی

- مؤلفه‌های تأثیرگذار سرمایه‌ی اجتماعی بر اقتدار ملی جمهوری اسلامی ایران کدامند؟

#### سؤالات فرعی

- مشارکت سیاسی چه تأثیری بر تحقق اقتدار ملی جمهوری اسلامی ایران دارد.
- اعتماد سیاسی چه تأثیری بر تحقق اقتدار ملی جمهوری اسلامی ایران دارد.
- حمایت اجتماعی چه تأثیری بر تحقق اقتدار ملی جمهوری اسلامی ایران دارد.
- مسئولیت‌پذیری اجتماعی چه تأثیری بر تحقق اقتدار ملی جمهوری اسلامی ایران دارد.
- امنیت اجتماعی چه تأثیری بر تحقق اقتدار ملی جمهوری اسلامی ایران دارد.
- انسجام اجتماعی چه تأثیری بر تحقق اقتدار ملی جمهوری اسلامی ایران دارد.

### اهداف پژوهش

#### هدف اصلی

- شناسایی مؤلفه‌های تأثیرگذار سرمایه اجتماعی بر اقتدار ملی جمهوری اسلامی ایران.

## اهداف فرعی

- تبیین نقش مشارکت سیاسی بر تحقق اقتدار ملی جمهوری اسلامی ایران.
- تبیین نقش اعتماد سیاسی بر تحقق اقتدار ملی جمهوری اسلامی ایران.
- تبیین نقش حمایت اجتماعی بر تحقق اقتدار ملی جمهوری اسلامی ایران.
- تبیین نقش مسئولیت‌پذیری اجتماعی بر تحقق اقتدار ملی جمهوری اسلامی ایران.
- تبیین نقش امنیت اجتماعی بر تحقق اقتدار ملی جمهوری اسلامی ایران.
- تبیین نقش انسجام اجتماعی بر تحقق اقتدار ملی جمهوری اسلامی ایران.

## روش‌شناسی پژوهش

این مطالعه با استفاده از رویکرد کمی و تکنیک پیمایشی انجام شده است. جمع‌آوری داده‌ها از طریق پرسش‌نامه انجام گرفت. جامعه‌ی آماری مورد مطالعه‌ی اساتید دانشگاه شهید چمران اهواز می‌باشد که بر اساس آخرین آمار رسمی اداره‌ی آموزش دانشگاه در سال ۲۰۱۹ جمعیت کل اساتید این دانشگاه برابر ۶۰۸ نفر می‌باشد از آنجا که مطالعه‌ی حاضر با روش کمی و مبتنی بر آزمون فرضیه و نظریه‌ی داده بنیاد قرار دارد، لذا برآورد نمونه‌گیری با استفاده از نرم‌افزار *SPSS Sample Power* در مسیر تحلیل توان (*Power*) انجام گرفت. با توجه به پیشفرض‌های مربوط به نمونه‌گیری احتمالی (سطح اطمینان، توان آزمون، حجم اثر و تعداد متغیرهای درگیر در تحلیل) و با استفاده از نرم‌افزار *SPSS Sample Power* حجم نمونه‌ی آماری از بین اساتید دانشگاه تعداد ۱۵۰ نفر مشخص گردید. از آنجا که در این مطالعه محقق با بیش از یک پارامتر؛ یعنی پارامترهایی مانند همبستگی، میانگین و رگرسیون متناسب با متغیرهای مختلف پژوهش، سروکار داشت؛ سعی شد ابتدا برای تک‌تک پارامترها با استفاده از شاخص‌های مربوطه، برآورد نمونه انجام گیرد که در نهایت حجم نمونه بر اساس پارامتر رگرسیون با مقدار اندازه اثر قابل تشخیص در جامعه‌ی آماری به مقدار ۰/۲۲ که بیشترین برآورد را از حجم نمونه به دست داد، عمل گردد. با این کار برآوردهای حجم پایین نمونه توسط سایر پارامترها هم در سطح معقول‌تر و بالاتری لحاظ خواهند شد. حجم نمونه به‌دست آمده در این مطالعه با پیشفرض ۰/۰۱، ۰/۰۲ و ۰/۰۳ برای آلفا، ۰/۸۰ برای توان و در مقابل ۰/۲۰ برای مقدار بتا (خطای نوع دوم)، اندازه‌ی اثر قابل تشخیص ۰/۲۲ به‌دست آمده است و بنابراین تمام معیارهای منطقی در انتخاب نمونه در نظر گرفته شد. لذا مناسب‌ترین نمونه را ۱۵۰ نفر در سطح آلفای



۰/۰۳ انتخاب گردید. در پژوهش حاضر از روش نمونه‌گیری غیر احتمالی هدفمند یا قضاوتی استفاده شده است. معمولاً در نمونه‌گیری قضاوتی انتخاب سنجیده‌ی واحدها به طریقی صورت می‌گیرد که هر یک معرف بخشی از جامعه‌ی مورد نظر باشند. این روش نمونه‌گیری با توجه به موضوع مورد بررسی مبتنی بر فهم نظری و تجربه‌ی پیشین محقق از جمعیت مورد مطالعه است. برای توصیف و تحلیل داده‌ها با به‌کارگیری نرم‌افزار آماری SPSS از آمار توصیفی و استنباطی استفاده شده است.

جهت طراحی پرسشنامه متغیر مستقل یعنی سرمایه‌ی اجتماعی با استفاده از ۶ شاخص یعنی امنیت اجتماعی (۴ گویه)، مشارکت سیاسی (۷ گویه)، اعتماد سیاسی (۴ گویه)، انسجام اجتماعی (۷ گویه)، حمایت اجتماعی (۳ گویه) و مسئولیت‌پذیری اجتماعی (۷ گویه) مورد سنجش قرار گرفت. برای سنجش متغیر وابسته یعنی اقتدار ملی نیز از شاخص‌های رضایتمندی سیاسی (۵ گویه)، قانون‌گرایی (۴ گویه)، اقتصاد مقاومتی (اصلاح الگوی مصرف، فسادستیزی، حمایت از تولید ملی، امنیت اقلام راهبردی و اساسی) (۶ گویه)، علم‌گرایی (۳ گویه)، مردم‌محوری (۳ گویه) و عدالت اجتماعی (۴ گویه) استفاده شد. در مجموع سرمایه‌ی اجتماعی با ۳۰ گویه و اقتدار ملی نیز با ۲۵ گویه مورد سنجش قرار گرفتند. برای اطمینان از اعتبار ابزار سنجش، با بهره‌گیری از نظرات داوران متخصص در حوزه‌ی موضوع تحقیق، ابتدا اعتبار صوری سؤالات پرسش‌نامه سنجیده شد. علاوه بر استفاده از نظرات متخصصان، تلاش شد تا در طراحی سؤالات پرسش‌نامه از سؤالات مشابهی که در تحقیقات دیگر استفاده شده‌اند، بهره گرفته شود. برای اطمینان از پایایی نتایج، روش آلفای کرونباخ، مورد استفاده قرار گرفته است. آلفای کرونباخ هر یک از متغیرها در جدول زیر آمده است.

**جدول ۲:** میزان آلفای کرونباخ (پایایی) گویه‌های هر طیف

**Table 2:** Cronbach's Alpha (Reliability) of the Items in Each Spectrum

ضریب آلفا	تعداد گویه	طیف‌ها
0/74	25	اقتدار ملی
0/81	30	سرمایه‌ی اجتماعی
0/73	4	امنیت اجتماعی
0/87	7	مشارکت سیاسی
0/76	4	اعتماد سیاسی
0/73	7	انسجام اجتماعی
0/70	3	حمایت اجتماعی
0/75	5	مسئولیت‌پذیری اجتماعی

## ادبیات و مبانی نظری پژوهش

## ۱- سرمایه اجتماعی

## تعریف سرمایه اجتماعی

مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی از جمله مفاهیم مدرنی است که در سطوح مختلف توسط نظریه‌پردازان مورد استفاده قرار گرفته و تعاریف متعددی از آن ارائه کرده‌اند که در جدول زیر به برخی از آنها اشاره می‌شود.

## جدول ۳: تعاریف مختلف از سرمایه‌ی اجتماعی

Table 3: Different Definitions of Social Capital

تعاریف سرمایه‌ی اجتماعی	نظریه‌پرداز
منبعی است که افراد از ساختار اجتماعی خاص استخراج می‌کنند و سپس برای پیگیری منافع خود از آن استفاده می‌کنند و به وسیله‌ی تغییرات در رابطه بین افراد ایجاد می‌شود (Baker, 1990: 619).	Beker (1990)
شبکه‌ی فردی اشخاص و وابستگی نهادی نخبگان (Belliveau & et al., 1996: 1572).	Bilio & et al (1996)
جمع منابع واقعی یا بالقوه‌ای است که حاصل از شبکه‌ای بادوام از روابط کمابیش نهادینه‌شده، آشنایی و شناخت متقابل یا به بیان دیگر عضویت در یک گروه است. شبکه‌ای که هر یک از اعضای خود را از پشتیبانی سرمایه‌ی جمعی برخوردار می‌کند و آنان را مستحق اعتبار می‌سازد (Bourdieu, 1986: 248).	Burdio (1986)
حسن نیت در دسترس افراد یا گروه‌ها که منبع آن در ساختار و محتوای روابط اجتماعی بازیگران نهفته است (Adler and Kwon, 2002: 23).	Adler and Cowan (2002)
سرمایه‌ی اجتماعی اساساً در مورد نحوه‌ی تعامل مردم با یکدیگر است (Dekker and Uslaner, 2003: 54).	Decker and Oslaner (2003)
شماری از افراد که می‌توانند انتظار داشته باشند از حمایت و منابع مورد نیاز که در اختیار مردم است بهره‌مند شوند (Boxman & et al, 1991: 52).	Boxman & et al (1991)
دوستان، همکاران و ارتباطات عمومی بیشتری که از طریق آن‌ها فرصت‌هایی برای استفاده از سرمایه‌ی مالی و انسانی خود دریافت می‌کنید (فرصت‌های کارگزاری در یک شبکه) (Burt, 1997: 355).	Bort (1997)
توانایی بازیگران برای تضمین مزایای عضویت در شبکه‌های اجتماعی و یا دیگر ساختارهای اجتماعی (Portes, 1998: 6).	Ports (1998)
شبکه‌ی ارتباط مشارکتی بین شهروندان که حل مشکلات عملکرد جمعی را تسهیل می‌کنند (Brehm and Rahn, 1997: 999).	Bram and Ron (1997)

<p>سرمایه‌ی اجتماعی با عملکردش تعریف می‌شود؛ سرمایه‌ی اجتماعی یک نهاد واحد نیست، بلکه انواع مختلفی از نهادها است که دارای دو ویژگی مشترک هستند: الف) همه‌ی آن‌ها دارای برخی از جنبه‌های ساختار اجتماعی هستند؛ ب) اقدامات خاصی از افراد موجود در ساختار را تسهیل می‌کنند (Coleman, 1990: 302).</p>	Coleman (1990)
<p>توانایی افراد برای همکاری با یکدیگر در گروه‌ها و سازمان‌ها برای تحقق اهداف مشترک. سرمایه‌ی اجتماعی می‌تواند به سادگی به‌عنوان وجود مجموعه‌ای خاص از ارزش‌های غیر رسمی یا هنجارهای مشترک میان اعضای یک گروه که اجازه همکاری میان آن‌ها را می‌دهد، تعریف کرد (Fukuyama, 1995: 10).</p>	Fukuyama (1995)
<p>فرهنگی از اعتماد و تحمل، که در آن شبکه‌های گسترده‌ی انجمن‌های داوطلبانه پدیدار می‌شوند (Inglehart, 1997: 188).</p>	Inglehart (1997)
<p>انتظاراتی برای اقدام درون‌گروهی که بر اهداف اقتصادی و هدف قرار دادن رفتار اعضای آن تأثیر می‌گذارد، حتی اگر این انتظارات به سمت حوزه‌ی اقتصادی متمرکز نشود (Portes and Sensenbrenner, 1993: 1323).</p>	Ports and Sansenber (1993)
<p>ویژگی‌های سازمان اجتماعی مانند شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد اجتماعی که هماهنگی و همکاری را برای سود دوجانبه تسهیل می‌کنند (Putnam, 1995: 67).</p>	Pootnam (1995)
<p>ابزارهای داوطلبانه و فرآیندهایی که در جامعه‌ی مدنی توسعه یافته‌اند و توسعه را برای کل جامعه ترویج می‌کنند (Thomas, 1996: 11).</p>	Thomas (1996)
<p>به‌طور طبیعی روابط اجتماعی بین افرادی که به کسب مهارت‌ها و ارزش‌ها در بازار کمک می‌کنند ... یک دارایی که ممکن است در حسابداری برای حفظ نابرابری در جامعه بسیار مهم باشد (Loury, 1992: 100).</p>	Lori (1992)
<p>جمع منابع واقعی و بالقوه موجود و قابل دسترس که از طریق شبکه روابط فردی یا اجتماعی حاصل می‌شود بنابراین سرمایه‌ی اجتماعی شامل قابلیت‌ها و دارایی‌هایی است که از طریق آن شبکه بسیج می‌شوند (Nahapiet &amp; Ghoshal, 1998: 243).</p>	Nahapit and Gushal (1998)
<p>مجموعه عناصر ساختار اجتماعی که بر روابط بین افراد تأثیر دارند و نهادها یا متغیرهای توابع تولید یا توابع مطلوبیت محسوب می‌شوند (Schiff, 1992: 160).</p>	Shif (1992)
<p>اطلاعات، اعتماد و هنجارهای متقابل که در شبکه‌های اجتماعی فرد وجود دارند (Woolcock, 1998: 153).</p>	Voolkak (1998)

<https://www.socialcapitalresearch.com/literature/definition>

### نظریات مرتبط با سرمایه اجتماعی

از نظر کلمن سرمایه‌ی اجتماعی ابعادی از ساختار اجتماعی است که می‌تواند همچون سرمایه‌ی مؤثری برای تحقق خواسته‌های بازیگران اجتماعی عمل کند و آن را مانند دیگر اشکال سرمایه مولد می‌داند که امکان دستیابی به اهداف معینی را که در نبود آن دست نیافتنی می‌باشند فراهم می‌سازد (Coleman, 1998: 462). او بر سودمندی سرمایه اجتماعی تأکید می‌ورزد و آن را منبعی برای همکاری روابط دوجانبه و توسعه اجتماعی می‌داند. به اعتقاد کلمن، عواملی که سبب ایجاد و گسترش سرمایه اجتماعی می‌شوند عبارت‌اند از درخواست کمک افراد از یکدیگر، ظرفیت بالقوه اطلاعات، ایدئولوژی و هنجارها (Ibid: 476). وی سرمایه‌ی اجتماعی را دارای شاخص‌هایی چون تعهدات و انتظارات ایجاد شده، دسترسی به اطلاعات، استقرار در مکان هنجارهای اجتماعی، کسب اقتدار و کسب هویت سازمانی می‌داند.

پوتنام با به کارگیری مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی، کانون تحلیل خود را بر فرهنگ و عناصر اعتماد، مشارکت و همیاری قرار داد و بر این باور است که میان سطح اعتماد اجتماعی و میزان مشارکت مردم در امور اجتماعی و وجود ثبات و نرخ بالای رشد اقتصادی، همبستگی مثبتی وجود دارد. پوتنام علل اهمیت سرمایه‌ی اجتماعی را این‌گونه توضیح می‌دهد: نخست اینکه وجود سرمایه‌ی اجتماعی به شهروندان این امکان را می‌دهد که مسائل و مشکلات جمعی خود را ساده‌تر حل کنند دوم اینکه سرمایه‌ی اجتماعی وضعیتی را فراهم می‌آورد که جوامع به سمت توسعه و ترقی پیش می‌روند؛ هنگامی که مردم در کنش‌های متقابل به یکدیگر اعتماد دارند و خود نیز قابل اعتمادند، ضمن آنکه پیوندها و علقه‌های میان آن‌ها محکم‌تر می‌شود، انجام کارهای روزمره و تعاملات اجتماعی هزینه کمتری در بر دارد (Coleman, 1998: 477). سوم اینکه، سرمایه‌ی اجتماعی، با گسترش آگاهی‌ها، بهره و نصیب ما را از منابع کمیاب بهبود می‌بخشد. افرادی که با دیگران روابط پویا و قابل اعتمادی دارند، عناصر شخصیتی ویژه‌ای را که برای آرامش جامعه مناسب هستند، در خود توسعه و بهبود می‌بخشند. در این حالت، اعضای جامعه بیشتر مدارا، و کمتر بدگمانی و عیب‌جویی می‌کنند و مهربان‌ترند. چهارم اینکه، سرمایه‌ی اجتماعی از خلال فرآیندهای روانی و زیستی، در راستای بهبود حیات افراد عمل می‌کند (Patnam, 2000). پنجم اینکه، سرمایه‌ی اجتماعی به واسطه ارتباطش با سایر پدیده‌های بنیادین جامعه نظیر نظم اجتماعی، وفاق اجتماعی، رضایت اجتماعی، تعهد و پیوند اجتماعی، انسجام اجتماعی، روابط و تعاملات اجتماعی، امنیت و احساس امنیت اجتماعی و

مشارکت اجتماعی، از اهمیتی ویژه برای مطالعه و تبیین برخوردار است (Amirkafi, 1996, Coleman, 1998). سه مفهوم اصلی اساسی «شبکه‌ها»، «هنجارها» و «اعتماد» سه پایه‌ی اصلی سرمایه‌ی اجتماعی نزد پوتنام را تشکیل می‌دهند که می‌توانند با تسریع فعالیت‌های هماهنگ شده، کارایی جامعه را بهبود بخشند.

فوکویاما سرمایه‌ی اجتماعی را به‌عنوان یک پدیده‌ی جامعه‌شناختی مورد توجه قرار می‌دهد. به نظر او سرمایه‌ی اجتماعی با شعاع اعتماد ارتباط تنگاتنگی دارد. هر چه قدر شعاع اعتماد در یک گروه اجتماعی گسترده‌تر باشد، سرمایه‌ی اجتماعی نیز زیاد خواهد بود و به تبعیت از آن میزان همکاری و اعتماد متقابل اعضای گروه نیز افزایش خواهد یافت (Fukuyama, 1999). فوکویاما منابع ایجادکننده‌ی سرمایه‌ی اجتماعی را این‌گونه مطرح می‌نماید: هنجارهایی که خودجوش هستند و برخاسته از کنش‌های متقابل اعضای یک جامعه هستند، ساخت‌مندهای برون‌زاد که برخاسته از اجتماعی غیر از اجتماع مبدأ خودشان هستند؛ و می‌توانند از ایدئولوژی، فرهنگ و تجربه‌ی تاریخی مشترک نشأت بگیرند، هنجارهایی که به لحاظ نهادی ساخته شده‌اند و منتج از نهادهای رسمی مانند دولت و نظام‌های قانونی هستند، هنجارهایی که از طبیعت ریشه گرفته‌اند مثل خانواده، نژاد و قومیت (Fukuyama, 2007: 87-107).

با توجه به مباحث ذکر شده می‌توان گفت سرمایه‌ی اجتماعی، برخی از منابع مهم را برای اقتدار ملی فراهم می‌کند، جوامع با سهم بالاتر از سرمایه اجتماعی ثبات سیاسی بیشتری دارند، درگیری‌های خشونت‌آمیز در آن‌ها کمتر است، پیشرفت تحصیلی و رشد اقتصادی، اتحاد، انسجام، امنیت، اعتماد و مشارکت در آن‌ها بالا است و حکومت آن‌ها قادر است تا به‌طور مؤثرتر به دنبال اهداف مشترک و خواسته‌های جمعی در سطح نظام بین‌الملل باشند.

## ۲- اقتدار ملی

اقتدار از ریشه‌ی لاتین واژه‌ی اتوریته که به سنای روم مربوط بود، گرفته شده است. سنای روم، اعتبار قوانین مصوب مردم را تصویب می‌کرد و رومی‌ها هم اقتدار (اتوریته) سنا را پذیرفته بودند (Alam, 2009:100). واژه‌ی اقتدار در زبان فارسی به «قدرت یافتن، قدرت داشتن، توانا شدن و توانایی» معنا می‌شود (Gholami, 2013:13). در زبان عربی، اقتدار از ماده قدر، مشتق شده و معنای آن «القوه» بیان می‌شود. القوه در فارسی به نیرو و توانایی ترجمه شده است. واژه‌ی اقتدار در فرهنگ لغات آکسفورد، «حق یا قدرت فرمان

دادن و به تمکین در آوردن دیگران» معنا شده است. در جدول زیر به برخی از تعاریف اقتدار ملی اشاره شده است.

**جدول ۴: تعاریف مختلف از اقتدار ملی**

**Table 4: Different Definitions of National Authority**

تعاریف اقتدار ملی	نظریه پرداز
اقتدار عبارت است از قدرت پنهان شده در مشروعیت یا حقانیت (Heywood, 2002: 5).	Heywood)
مفهوم اقتدار، بیشتر به نفوذ، سلطه، مرجعیت، حق، اختیار و اجازه و به‌ویژه مشروعیت مرتبط است (Root, 2007:1).	Root
قدرت مشروع را اغلب اقتدار می‌دانند، «نفوذ رهبران سیاسی، زمانی مشروع دانسته می‌شود که به سوی اقتدار معطوف گردد. به عقیده‌ی او، اقتدار نوع ویژه‌ای از نفوذ، یعنی نفوذ مشروع می‌باشد. در نظام‌های سیاسی همیشه سعی رهبران بر آن است که نفوذهای خود را به صورت اقتدار در آورند (Dall, 1986:70).	Dall
اقتدار به حوزه‌ای هنجاری اشاره داشته و به نوعی رضایت و اختیار دلالت می‌کند. همچنین اقتدار حق یا توان قبولاندن طرح‌ها، تجویزها یا دستورهای بدون توسل به اغوا، چانه‌زنی یا زور است (Beero, 1987:23).	Beer
اقتدار ملی بر مجموع توانمندی‌های یک ملت در سطوح مختلف رهبری، کارگزاران، توده‌ی مردم و نهادهای ناظر مربوط می‌باشد. اقتدار ملی از جنس قدرت سیاسی است، اما اقتدار از قدرت به معنای عام آن تغذیه می‌کند (Eftekhari, 2001:27).	Eftekhari
اقتدار ملی یعنی گستردگی مشروعیت‌زایی هر دولت در سطح ملی و بین‌المللی (Soleimani, 2001:41)	Soleimani
اقتدار ملی نیرو و توانی است که از سنت، قانون، عقل و جذبه شخصی در سطوح تحلیلی کلان متأثر است و تاسی به آنها موجب ایجاد همگرایی ملی و وحدت سیاسی شده و به تبع این وحدت زمینه‌ساز افزایش توان ملی و بهره‌وری بیشتر از قدرت ملی را فراهم می‌آورد (Hassan Beygi and Motaharnia, 2004:300).	Hassan Beygi and Motaharnia
اقتدار ملی به مجموعه‌ای از توانایی‌های مادی و معنوی که در قلمرو یک واحد جغرافیایی و سیاسی به نام کشور وجود دارد، گفته می‌شود (Kazemi, 2008:32)	Kazemi

تعاریف اقتدار ملی	نظریه‌پرداز
به قدرت دارای مشروعیت که از ناحیه یک حکومت در یک کشور برای تأمین و تحقق اهداف و منافع ملی آن کشور اعمال می‌گردد اقتدار ملی گفته می‌شود (Jahantab, 2006:32).	Jahantab
اقتدار ملی برآیند ارزش‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی همراه با حفظ شرافت‌های انسانی است که می‌تواند باعث اعتلا و سربلندی آن جامعه در عرصه‌ی داخلی و بین‌المللی شود و امکان توطئه، تطمیع و تجاوز را از بیگانگان بگیرد (NAJA Ideological and Political Organization, 2003).	NAJA Ideological and Political Organization

در حوزه‌ی روابط بین‌الملل رهیافت‌های متنوعی در مورد اقتدار ارائه شده است. هر نظریه‌پردازی تلاش دارد تا اقتدار ملی را از طریق چگونگی ارتباط و تأثیرگذاری بر سایر بازیگران مورد سنجش قرار دهد. در بین نظریه‌پردازان چهار رهیافت مورد توجه قرار گرفته است: رهیافت اول مربوط به نظریه‌پردازان نئولیبرال<sup>۱</sup> است. افرادی همانند «جوزف نای<sup>۲</sup>» و «رابرت کوهن<sup>۳</sup>» را می‌توان در این گروه قرار داد. آنان اقتدار ملی را به مفهوم حداکثرسازی ارتباطات برای ایجاد تعادل، همکاری و سود می‌دانند. رهیافت دوم مربوط به نظریه‌پردازان نئورئالیست می‌باشد. معروف‌ترین آنان «کنت والتز<sup>۴</sup>» و «رابرت گیلپین<sup>۵</sup>» هستند. این گروه تلاش دارند تا بین اقتدار ملی و هژمونی رابطه برقرار نمایند. هر کشوری که دارای اقتدار است طبعاً از قابلیت‌های لازم برای کنترل سایر بازیگران نیز بهره می‌گیرد. به عبارت دیگر اقتدار ملی زمانی وجود دارد که نشانه‌هایی از جمله هژمونی درون ساختاری، هژمونی منطقه‌ای و هژمونی بین‌المللی ایجاد شود. رهیافت سوم در حوزه‌ی روابط بین‌الملل مربوط به نظریه‌پردازان مکتب انتقادی است. این گروه از نظریه‌پردازان اقتدار را در چارچوب انسجام ساختاری و توان تأثیرگذاری مورد سنجش قرار می‌دهند دولت‌هایی که از یکپارچگی در نخبگان سیاسی هماهنگی در ادبیات سیاسی و همچنین همبستگی در تصمیم‌گیری راهبردی برخوردار باشند، در زمره‌ی بازیگرانی محسوب می‌شوند که

<sup>1</sup> Neoliberal

<sup>2</sup> Nye

<sup>3</sup> Kuhn

<sup>4</sup> Waltz

<sup>5</sup> Gilpin

توانسته‌اند اقتدار ملی را شکل دهند ( *Department of Security Studies, School of National Security, 2011: 58-57*).

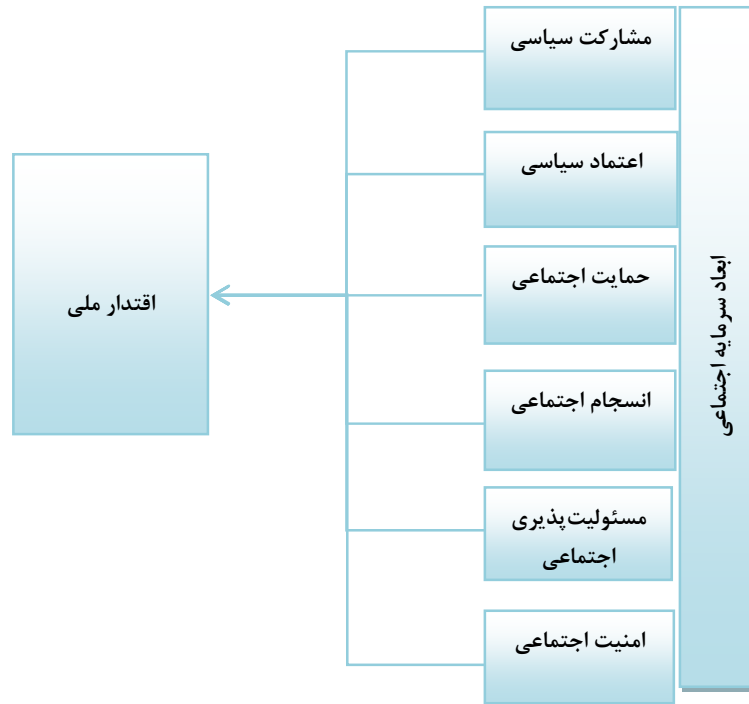
رهیافت چهارم مربوط به نظریه‌ی سازه‌انگاری<sup>۱</sup> است. از نظر سازه‌انگاران اقتدار ملی دارای شاخص‌هایی می‌باشد. این شاخص‌ها را می‌توان در قالب موضوعاتی از جمله میزان انسجام اجتماعی در واحدهای سیاسی و ایده‌ی قابل قبولی از حکومت در بین جامعه که فراتر از قدرت حاکمه باشد را مورد توجه قرار داد. در مجموع موضوع وفاداری سیاسی زمینه‌ساز اجماع اجتماعی خواهد شد. هر گاه چنین وضعیتی به وجود آید امکان بازسازی و ترمیم اقتدار ملی نامحدود خواهد بود زیرا از جمله ویژگی‌های اقتدار آن است که زمینه‌ی بازسازی و ترمیم وفاداری و انسجام اجتماعی وجود داشته باشد. هر گاه شاخص‌های یاد شده در جامعه‌ای وجود داشته باشد زمینه‌ی برای ظهور مشروعیت فراهم می‌شود کشورهایی که دارای وضعیت یکپارچه باشند و نشانه‌هایی از انحصار قدرت به همراه نظم اجتماعی وجود داشته باشد نیز از مشروعیت برخوردارند در حالی که هر گونه بی‌نظمی زمینه‌ساز از بین رفتن مشروعیت خواهد بود ( *Department of Security Studies, School of National Security, 2011: 81*).

مهم‌ترین نشانه‌های اقتدار ملی در تفکر سازه‌انگاران عبارتند از: دولت و حکومت قوی، سرمایه‌ی اجتماعی، اعتماد سیاسی، انسجام اجتماعی، وفاداری سیاسی، مشروعیت ساختاری، هویت ملی و ... به هر میزان که این مؤلفه‌ها در یک جامعه بیشتر باشد به همان نسبت اقتدار ملی آن کشور در سطح منطقه‌ای و جهانی نیز افزایش خواهد یافت. مدل تجربی پژوهش مکانیسمی است که به کمک آن در می‌یابیم چگونه و بر اساس کدام تسلسل و توالی منطقی، اجزای مختلف تشکیل دهنده‌ی یک تئوری با هم در ارتباطند. پژوهش تجربی اجتماعی، مطالعه واقعیت‌های اجتماعی به روش عینی، منظم و گزینشی است. عینیت پژوهش بر حسب استقلال نظریه تحقیق از محقق و ارائه‌ی توصیفات واقع‌نگار از موضوع پژوهش؛ منظم بودن تحقیق بر حسب رعایت ضوابط شناخته شده علمی در فرایند انجام تحقیق و گزینشی بودن تحقیق بر حسب تأکید بر وجه یا وجوه خاصی از موضوع تحقیق حاصل می‌شود. پژوهش اجتماعی در این معنا بر چارچوب نظری معینی استوار است؛ چارچوبی که در آن مجموعه‌ای از گزاره‌های جامعه‌شناختی برای تبیین واقعیت اجتماعی مورد مطالعه، صورت‌بندی گردیده و هدف اساسی تحقیق نیز

<sup>1</sup> Constructivism



وارسی تجربی همین چارچوب (مدل تجربی) و اثبات مدعای محقق است. نمودار زیر روابط بین متغیرهای این پژوهش را در قالب مدل تجربی تحقیق نشان می‌دهد.



شکل ۱: مدل تجربی مؤلفه‌های تأثیرگذار سرمایه‌ی اجتماعی بر تحقق اقتدار ملی

**Figure 1:** Empirical Model of the Influential Components of Social Capital on the Realization of National Authority

## تعریف عملیاتی متغیرها

### متغیر وابسته: اقتدار ملی

اقتدار ملی بر مجموع توانمندی‌های یک ملت در سطوح مختلف رهبری، کارگزاران، توده‌ی مردم و نهادهای ناظر مربوط می‌باشد. اقتدار ملی از جنس قدرت سیاسی است، اما اقتدار از قدرت به معنای عام آن تغذیه می‌کند (Eftekhari, 2001: 27).

«اقتدار ملی پنج ویژگی مهم در یک واحد سیاسی را شامل می‌شود: وجود قدرتی مشروع با دولتی کارآمد در زمینه‌ی نیازمندی‌های دنیوی و اخروی شهروندان که حضور فعال تشکل‌های مدنی را به‌عنوان بازوی اجرایی سیاست‌های کلان ارج نهاده و تأیید می‌کند، همراه با ملتی آگاه که حضوری با شعور دارد و در نهایت، وجود شبکه سالم و به دور از تنش در بین دولت - ملت، قوای سه‌گانه، دولت - رهبری، رهبری - ملت و نهادهای مدنی با نظام سیاسی (Ibid: 26).

مؤلفه‌های اقتدار ملی در این پژوهش عبارت‌اند از مشروعیت، هویت ملی، موقعیت ژئوپلیتیکی، ایدئولوژی، اعتبار و نفوذ منطقه‌ای و توان دفاعی و نظامی که با استفاده از ۲۵ گویه در قالب طیف پنج درجه‌ای لیکرت مورد سنجش قرار گرفته است.

### متغیرهای مستقل

سرمایه‌ی اجتماعی: پوتنام سرمایه‌ی اجتماعی را مجموعه‌ای از مفاهیم چون اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها می‌داند که موجب ایجاد ارتباط و مشارکت بهینه یک اجتماع می‌شود و در نهایت منافع متقابل آن‌ها را تأمین خواهد کرد (Putnam, 1992: 167). در این پژوهش سرمایه‌ی اجتماعی در شش بُعد زیر سنجش می‌شود:

(۱) مشارکت سیاسی: مشارکت سیاسی: مشارکت سیاسی دارای تعاریف گوناگون می‌باشد در این پژوهش تعریف میلبراث<sup>۱</sup> مورد توجه می‌باشد. میلبراث، مشارکت سیاسی را درگیر شدن فرد در سطوح مختلف فعالیت در نظام سیاسی از عدم درگیری تا داشتن مقام رسمی سیاسی می‌باشد (Milbrath, 1977: 221). شاخص‌های مشارکت سیاسی در این پژوهش بر مبنای نظریه‌ی میلبراث عبارتند از: تصمیم‌گیری سیاسی، رأی دادن، شرکت جلسات سخنرانی سیاسی (مناظرات)، شرکت در اجتماعات عمومی (تظاهرات، راهپیمایی‌ها و ...)، مشارکت در بحث‌های سیاسی غیر رسمی (در میان افراد خانواده، دوستان و یا محل کار)، عضویت در احزاب و گروه‌ها، داشتن مقام سیاسی یا اداری و غیره که با استفاده از ۷ گویه بر مبنای طیف لیکرت سنجیده شده است. به این صورت که به گزینشی اصلاً کد صفر و به گزینشی خیلی زیاد کد پنج اختصاص یافته است.

(۲) اعتماد سیاسی: اعتماد سیاسی درجه‌ای از باور شهروندان پیرامون توانایی و موفقیت حاکمان سیاسی در برآورده ساختن انتظارات آن‌ها است (Zahedi and Khanbashi, 2011: 70) که شامل سه بُعد اعتماد به نظام سیاسی، اعتماد به نهادهای سیاسی و اعتماد به کارگزاران سیاسی می‌باشد. با توجه به این ابعاد، در پژوهش حاضر اعتماد سیاسی با شاخص‌هایی همچون حمایت از کشور در زمان جنگ، حمایت از قانون اساسی و حمایت از نهادهای سیاسی حکومت همچون پارلمان، قوه‌ی قضائیه و غیره در قالب طیف لیکرت مورد سنجش قرار گرفته است.

(۳) حمایت اجتماعی: حمایت اجتماعی به معنای میزان برخورداری از توجه، محبت و همراهی اعضای خانواده، دوستان و سایر افراد می‌باشد (Zaki, 2008: 440). حمایت اجتماعی در واقع ابزاری برای ارائه‌ی خدمات، کمک و پشتیبانی‌های مادی و غیر مادی است که در اختیار افراد قرار می‌گیرد. حمایت اجتماعی در این پژوهش با استفاده از شاخص‌هایی چون حمایت‌های خانوادگی و عاطفی اندازه‌گیری شده است.

(۴) انسجام اجتماعی: انسجام اجتماعی دلالت بر توافق جمعی میان اعضای یک جامعه دارد. به عبارتی انسجام در کل ناظر به میزان و الگوی رابطه‌ی متقابل میان کنش‌گران، گروه‌ها و خرده فرهنگ‌های تمایز یافته است (Afrough, 1999: 140). در این پژوهش انسجام اجتماعی با استفاده از ۷ گویه بر مبنای طیف ۵ درجه‌ای لیکرت سنجیده شده است.

<sup>1</sup> Milbrath

۵) مسئولیت‌پذیری اجتماعی: مسئولیت‌پذیری اجتماعی نوعی احساس تعهد و پایبندی به دیگران، تبعیت از قواعد و معیارهای اجتماعی و درک قواعد گروهی که در ذهن فرد شکل گرفته است و بر رفتارهای او اثر می‌گذارد (Sobhani Nejad, 2000: 18). بر اساس مقیاس کنراد و هایدن<sup>۱</sup> (۱۹۸۵)، شاخص مسئولیت‌پذیری اجتماعی در چهار بُعد گرایش به مسئول بودن (شامل دو خرده‌مقیاس رفاه اجتماعی و وظیفه)، شایستگی برای مسئولیت‌پذیری، اثربخشی مسئولیت‌پذیری و اجرای عمل مسئولانه سنجیده شد.

۶) امنیت اجتماعی: مفهوم امنیت را می‌توان به مصونیت از تعرض و تصرف اجباری بدون رضایت و در مورد افراد، به نبود هراس و بیم نسبت به حقوق و آزادی‌های مشروع و به مخاطره نیفتادن این حقوق و آزادی‌ها و مصون بودن از تهدید و خطر مرگ، بیماری، فقر و حوادث غیر متقربه و در کل هر عاملی که آرامش انسان را از بین ببرد، تعریف نمود. احساس امنیت، فرآیندی روانی - اجتماعی است که صرفاً بر افراد تحمیل نمی‌شود بلکه اکثر افراد جامعه بر اساس نیازها، علائق، خواسته‌ها و توانمندی‌های شخصیتی و روانی خود در ایجاد و از بین بردن آن نقش اساسی دارد (Bayat, 2009: 32). به‌منظور سنجش میزان احساس امنیت اجتماعی، این مقوله در ۴ بُعد جداگانه شامل احساس امنیت مالی، احساس امنیت جانی، احساس امنیت اقتصادی و احساس امنیت اجتماعی می‌باشد که برای هر بُعد یک گویه و جمعاً ۴ گویه در یک طیف ۵ درجه‌ای سنجیده شد.

### یافته‌های پژوهش

داده‌های این پژوهش حاصل استخراج پرسش‌نامه‌هایی است که توسط ۱۵۰ نفر از اساتید دانشگاه شهید چمران اهواز تکمیل گردید و اساس تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. نتایج توصیفی این مطالعه نشان می‌دهد که ۹/۴ درصد از پاسخگویان در گروه سنی ۳۱ تا ۴۰ سال، ۶۶/۰ درصد از آن‌ها در گروه سنی ۴۱ تا ۵۰ سال و ۲۴/۶ درصد از آن‌ها در گروه سنی ۵۰ سال به بالا می‌باشند. در مورد جنسیت ۸۵/۱ درصد از پاسخگویان مرد و ۱۴/۹ درصد از آن‌ها زن می‌باشند. نتایج نشان می‌دهد بیشترین تعداد پاسخگویان متأهل بودند. بر اساس نتایج حاصل از داده‌ها، ۵۰ درصد از پاسخگویان قومیت فارس، ۱۰ درصد عرب،

<sup>1</sup> Conrad & Hedin

۱۰ درصد کرد و ۹/۵ درصد ترک، ۱۲ درصد لر و ۸/۵ درصد نیز به سایر قومیت‌ها تعلق داشتند.

جدول ۵ نشان‌دهنده‌ی توزیع مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی (مشارکت سیاسی، اعتماد سیاسی، حمایت اجتماعی، انسجام اجتماعی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و امنیت اجتماعی) است. این متغیر شامل ۳۰ گویه می‌باشد. نتایج حاصل از میانگین سرمایه‌ی اجتماعی در بُعد مشارکت سیاسی نشان می‌دهد که میانگین این متغیر برابر با (۹/۰۸) در مقایسه با میانگین مورد انتظار (۲۰) پایین‌تر است. در مورد بُعد اعتماد سیاسی میانگین آن (۲۹/۹۷) در مقایسه با میانگین مورد انتظار (۳۵) پایین‌تر است. سایر میانگین‌ها در جدول زیر قابل مشاهده است.

جدول ۵: توزیع مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی بر حسب شاخص توصیفی

Table 5: Distribution of Social Capital Components by Descriptive Index

نام متغیر	تعداد گویه	میانگین واقعی	میانگین مورد انتظار	انحراف معیار	کمترین	بیشترین
مشارکت سیاسی	4	9/08	9	3/62	4	20
اعتماد سیاسی	7	29/97	21	5/40	7	35
حمایت اجتماعی	4	7/53	9	2/57	4	17
انسجام اجتماعی	7	17/36	15	4/65	7	29
مسئولیت‌پذیری اجتماعی	3	6/07	9	2/89	3	15
امنیت اجتماعی	5	11/47	15	4/20	5	25

### آزمون فرضیه‌ها

فرضیه‌ی اول: مشارکت سیاسی بر تحقق اقتدار ملی جمهوری اسلامی ایران تأثیر دارد. اولین معادله‌ی رگرسیونی مربوط به تحلیل برآوردی متغیر مستقل مشارکت سیاسی جهت پیش‌بینی متغیر اقتدار ملی می‌باشد. نتایج مندرج در جدول ۵ نشان می‌دهد که مقدار  $T$  برای این متغیر برابر  $(T=۳/۵۷)$  و ضریب معنی‌داری  $(Sig.T= ۰/۰۰۰)$  می‌باشد. مقدار  $R$  برابر است با ۰/۲۸ که شدت همبستگی بین دو متغیر را نشان می‌دهد. مقدار  $R^2$  یا ضریب تعیین نشان می‌دهد که چه مقدار از متغیر وابسته یعنی اقتدار ملی، می‌تواند توسط متغیر مستقل یعنی مشارکت سیاسی، تبیین شود که در جدول زیر عدد ۰/۰۸۰ به دست آمد. این جدول نشان می‌دهد که آیا مدل رگرسیون می‌تواند به‌طور معناداری تغییرات

متغیر وابسته را پیش‌بینی کند که در اینجا سطح معناداری ( $Sig.T= ۰/۰۰۰$ ) بیانگر این است که مدل رگرسیونی معنادار است؛ بنابراین فرضیه‌ی مذکور تأیید می‌شود.

**جدول ۶:** نتایج تحلیل رگرسیون خطی ساده به سبک ورود برای پیش‌بینی اقتدار ملی از طریق مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی

**Table 6: Results of Simple Linear Regression Analysis in the Input Style to Predict National Authority through the Components of Social Capital**

نام متغیر	B	ضریب بتا (Beta)	T-test	مقدار ثابت (Constant)	سطح معناداری (Sig...)
مشارکت سیاسی	0/24	0/28	3/57	24/09	0/000
آماره‌های برآورد	دوربین واتسون (Durbin-Watson)	ضریب همبستگی (R)	ضریب تعیین (R Square)	F	انحراف معیار (Std. Error)
	1/54	0/35	0/080	12/78	0/12

فرضیه‌ی دوم: اعتماد سیاسی بر تحقق اقتدار ملی جمهوری اسلامی ایران تأثیر دارد. دومین معادله‌ی رگرسیونی مربوط به تحلیل برآوردی متغیر مستقل اعتماد سیاسی جهت پیش‌بینی متغیر اقتدار ملی می‌باشد. نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون خطی ساده نشان می‌دهد که اقتدار ملی بر اساس اعتماد سیاسی معنی‌دار است. نتایج مندرج در جدول ۶ نشان می‌دهد مقدار  $T$  برای این متغیر برابر ( $T=۲/۵۴$ ) و ضریب معنی‌داری ( $Sig.T= ۰/۰۰۳$ ) می‌باشد. مقدار  $R$  برابر است با ۰/۲۹ که شدت همبستگی بین دو متغیر را نشان می‌دهد. مقدار  $R^2$  یا ضریب تعیین نشان می‌دهد که چه مقدار از متغیر وابسته یعنی اقتدار ملی، می‌تواند توسط متغیر مستقل یعنی اعتماد سیاسی، تبیین شود که در جدول زیر عدد ۰/۰۹۱ به دست آمد. این جدول نشان می‌دهد که آیا مدل رگرسیونی می‌تواند به‌طور معناداری تغییرات متغیر وابسته را پیش‌بینی کند که در اینجا سطح معناداری ( $Sig.T= ۰/۰۰۳$ ) بیانگر این است که مدل رگرسیونی معنادار است؛ بنابراین فرضیه مذکور تأیید می‌شود.

**جدول ۷:** نتایج تحلیل رگرسیون خطی ساده به سبک ورود برای پیش‌بینی اقتدار ملی از طریق مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی

**Table 7: Results of Simple Linear Regression Analysis in the Input Style to Predict National Authority through the Components of Social Capital**

نام متغیر	B	ضریب بتا (Beta)	T-test	مقدار ثابت (Constant)	سطح معناداری (Sig...)
اعتماد سیاسی	0/25	0/29	2/54	28/11	0/003
آماره‌های برآورد	دوربین واتسون (Durbin-Watson)	ضریب همبستگی (R)	ضریب تعیین (R Square)	F	انحراف معیار (Std. Error)
	1/65	0/45	0/091	10/65	0/12

فرضیه‌ی سوم: امنیت اجتماعی بر تحقق اقتدار ملی جمهوری اسلامی ایران تأثیرگذار است. سومین معادله‌ی رگرسیونی مربوط به تحلیل برآوردی متغیر مستقل امنیت اجتماعی جهت پیش‌بینی متغیر اقتدار ملی می‌باشد. نتایج تحلیل آزمون تحلیل رگرسیون خطی ساده نشان می‌دهد که متغیر امنیت اجتماعی ۶۲ درصد از واریانس متغیر اقتدار ملی را پیش‌بینی می‌کند. همان‌طور که قبلاً گفته شد ضریب تعیین ( $R^2$ ) نشان‌دهنده‌ی این است که چه مقدار از تغییرات متغیر وابسته تحت تأثیر متغیر مستقل مربوطه بوده و مابقی تغییرات متغیر وابسته مربوط به سایر عوامل می‌باشد. مقدار  $T$  برای این متغیر برابر ( $T=5/32$ ) و ضریب معنی‌داری ( $Sig.T=0/006$ ) می‌باشد. مقدار  $R$  برابر است با ۰/۷۸ که اشاره دارد به همبستگی بین دو متغیر و به عبارتی شدت همبستگی بین دو متغیر را نشان می‌دهد. این جدول نشان می‌دهد که آیا مدل رگرسیون می‌تواند به‌طور معناداری تغییرات متغیر وابسته را پیش‌بینی کند که در اینجا سطح معناداری ( $Sig.T=0/006$ ) بیانگر این است که مدل رگرسیونی معنادار است؛ بنابراین فرضیه‌ی مذکور تأیید می‌شود.

**جدول ۸:** نتایج تحلیل رگرسیون خطی ساده به سبک ورود برای پیش‌بینی اقتدار ملی از طریق مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی

**Table 8: Results of Simple Linear Regression Analysis in the Input Style to Predict National Authority through the Components of Social Capital**

نام متغیر	B	ضریب بتا (Beta)	T-test	مقدار ثابت (Constant)	سطح معناداری (Sig...)
امنیت اجتماعی	1/42	0/69	5/32	8/39	0/006
آماره‌های برآورد	دوربین واتسون (Durbin-Watson)	ضریب همبستگی (R)	ضریب تعیین (R Square)	F	انحراف معیار (Std. Error)
	1/67	0/78	0/62	242/95	0/091

فرضیه‌ی چهارم: انسجام اجتماعی بر تحقق اقتدار ملی جمهوری اسلامی ایران تأثیرگذار است.

چهارمین معادله‌ی رگرسیونی مربوط به تحلیل برآوردی متغیر مستقل انسجام اجتماعی جهت پیش‌بینی متغیر اقتدار ملی می‌باشد. نتایج مندرج در جدول ۸ نشان می‌دهد مقدار  $T$  برای این متغیر برابر  $(T=۲/۰۸)$  و ضریب معنی‌داری  $(Sig.T= ۰/۰۳۹)$  می‌باشد. مقدار  $R$  برابر است با  $۰/۱۶$  که اشاره دارد به همبستگی بین دو متغیر و به عبارتی شدت همبستگی بین دو متغیر را نشان می‌دهد. همان‌طور که از مقدار  $R$  نمایان است بین دو متغیر انسجام اجتماعی و اقتدار ملی همبستگی وجود دارد. مقدار  $R^2$  یا ضریب تعیین نشان می‌دهد که چه مقدار از متغیر وابسته یعنی اقتدار ملی، می‌تواند توسط متغیر مستقل یعنی انسجام اجتماعی، تبیین شود که در جدول زیر عدد  $۰/۰۲۸$  به دست آمد. این جدول نشان می‌دهد که آیا مدل رگرسیون می‌تواند به‌طور معناداری تغییرات متغیر وابسته را پیش‌بینی کند که در اینجا سطح معناداری  $(Sig.T= ۰/۰۳۹)$  بیانگر این است که مدل رگرسیونی معنادار است. ستون ضریب بتا ( $Beta$ ) بیانگر ضریب رگرسیونی استاندارد شده یا مقدار بتا است که برابر با  $۰/۱۶$  است که نشانگر میزان تأثیر متغیر مستقل (انسجام اجتماعی) بر متغیر وابسته (اقتدار ملی) است. بنابراین فرضیه‌ی مذکور تأیید می‌شود.

**جدول ۹:** نتایج تحلیل رگرسیون خطی ساده به سبک ورود برای پیش‌بینی اقتدار ملی از طریق مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی

**Table 9:** Results of Simple Linear Regression Analysis in Entrance Style for Predicting National Authority through Social Capital Components

نام متغیر	$B$	ضریب بتا ( $Beta$ )	$T$ -test	مقدار ثابت ( $Constant$ )	سطح معناداری ( $Sig...$ )
انسجام اجتماعی	0/44	0/16	2/08	27/93	0/039
آماره‌های برآورد	دوربین واتسون ( $Durbin-Watson$ )	ضریب همبستگی ( $R$ )	ضریب تعیین ( $R$ Square)	$F$	انحراف معیار ( $Std. Error$ )
	1/52	0/26	0/028	4/33	2/22

فرضیه‌ی پنجم: حمایت اجتماعی بر تحقق اقتدار ملی جمهوری اسلامی ایران تأثیرگذار است.



پنجمین معادله‌ی رگرسیونی مربوط به تحلیل برآوردی متغیر مستقل حمایت اجتماعی جهت پیش‌بینی متغیر اقتدار ملی می‌باشد. نتایج تحلیل آزمون تحلیل رگرسیون خطی ساده نشان می‌دهد که متغیر حمایت اجتماعی ۰/۱۴ درصد از واریانس متغیر اقتدار ملی را پیش‌بینی می‌کند. همان‌طور که قبلاً گفته شد ضریب تعیین ( $R^2$ ) نشان‌دهنده‌ی این است که چه مقدار از تغییرات متغیر وابسته تحت تأثیر متغیر مستقل مربوطه بوده و مابقی تغییرات متغیر وابسته مربوط به سایر عوامل می‌باشد. مقدار  $T$  برای این متغیر برابر ( $T=5/01$ ) و ضریب معنی‌داری ( $Sig.T=0/000$ ) می‌باشد. مقدار  $R$  برابر است با ۰/۳۸ که اشاره دارد به همبستگی بین دو متغیر و به‌عبارتی شدت همبستگی بین دو متغیر را نشان می‌دهد. این جدول نشان می‌دهد که آیا مدل رگرسیون می‌تواند به‌طور معناداری تغییرات متغیر وابسته را پیش‌بینی کند که در اینجا سطح معناداری ( $Sig.T=0/000$ ) بیانگر این است که مدل رگرسیونی معنادار است بنابراین فرضیه‌ی مذکور تأیید می‌شود.

**جدول ۱۰:** نتایج تحلیل رگرسیون خطی ساده به سبک ورود برای پیش‌بینی اقتدار ملی از طریق مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی

**Table 10:** Results of Simple Linear Regression Analysis of Entry Style for Predicting National Authority through Social Capital Components

نام متغیر	$B$	ضریب بتا (Beta)	$T$ -test	مقدار ثابت (Constant)	سطح معناداری (Sig...)
حمایت اجتماعی	0/50	0/38	5/01	20/75	0/000
آماره‌های برآورد	دوربین واتسون (Durbin-Watson)	ضریب همبستگی (R)	ضریب تعیین (R Square)	F	انحراف معیار (Std. Error)
	1/55	0/38	0/14	25/17	0/10

فرضیه‌ی ششم: مسئولیت‌پذیری اجتماعی بر تحقق اقتدار ملی جمهوری اسلامی ایران تأثیرگذار است.

ششمین معادله‌ی رگرسیونی مربوط به تحلیل برآوردی متغیر مستقل مسئولیت‌پذیری اجتماعی جهت پیش‌بینی متغیر اقتدار ملی می‌باشد. نتایج تحلیل آزمون تحلیل رگرسیون خطی ساده نشان می‌دهد که متغیر مسئولیت‌پذیری اجتماعی ۰/۴۵ درصد از واریانس متغیر اقتدار ملی را پیش‌بینی می‌کند. همان‌طور که قبلاً گفته شد ضریب تعیین ( $R^2$ ) نشان‌دهنده این است که چه مقدار از تغییرات متغیر وابسته تحت تأثیر

متغیر مستقل مربوطه بوده و مابقی تغییرات متغیر وابسته مربوط به سایر عوامل می‌باشد. مقدار  $T$  برای این متغیر برابر  $(T=۱۲/۷۴)$  و ضریب معنی‌داری  $(Sig.T=۰/۰۰۰)$  می‌باشد. مقدار  $R$  برابر است با  $۰/۶۷$  که شدت همبستگی بین دو متغیر را نشان می‌دهد. این جدول نشان می‌دهد که آیا مدل رگرسیون می‌تواند به‌طور معناداری تغییرات متغیر وابسته را پیش‌بینی کند که در اینجا سطح معناداری  $(Sig.T=۰/۰۰۰)$  بیانگر این است که مدل رگرسیونی معنادار است بنابراین فرضیه مذکور تأیید می‌شود.

**جدول ۱۱:** نتایج تحلیل رگرسیون خطی ساده به سبک ورود برای پیش‌بینی اقتدار ملی از طریق مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی

**Table 11:** Results of Simple Linear Regression Analysis of Entry Style for Predicting National Authority through Social Capital Components

نام متغیر	B	ضریب بتا (Beta)	T-test	مقدار ثابت (Constant)	سطح معناداری (Sig...)
مسئولیت‌پذیری اجتماعی	1/46	0/67	12/74	17/65	000/0
آماره‌های برآورد	دوربین واتسون (Durbin-Watson)	ضریب همبستگی (R)	ضریب تعیین (R Square)	F	انحراف معیار (Std. Error)
	1/54	0/67	0/45	124/16	1/38

فرضیه‌ی هفتم: سرمایه‌ی اجتماعی بر تحقق اقتدار ملی جمهوری اسلامی ایران تأثیرگذار است.

هفتمین معادله‌ی رگرسیونی مربوط به تحلیل برآوردی متغیر مستقل سرمایه‌ی اجتماعی جهت پیش‌بینی متغیر اقتدار ملی می‌باشد. در واقع این فرضیه، فرضیه‌ی اصلی پژوهش است. نتایج مندرج در جدول ۱۱ نشان می‌دهد مقدار  $T$  برای این متغیر برابر  $(T=۹/۷۱)$  و ضریب معنی‌داری  $(Sig.T=۰/۰۰۰)$  می‌باشد. مقدار  $R$  برابر است با  $۰/۶۲$  که اشاره دارد به همبستگی بین دو متغیر و به‌عبارتی شدت همبستگی بین دو متغیر را نشان می‌دهد. همان‌طور که از مقدار  $R$  (همبستگی پیرسون بین دو متغیر) نمایان است بین دو متغیر سرمایه‌ی اجتماعی و اقتدار ملی همبستگی وجود دارد. مقدار  $R^2$  یا ضریب تعیین نشان می‌دهد که چه مقدار از متغیر وابسته یعنی اقتدار ملی، می‌تواند توسط متغیر مستقل یعنی سرمایه‌ی اجتماعی، تبیین شود که در جدول زیر عدد  $۰/۳۹$  به‌دست آمد. این جدول نشان می‌دهد که آیا مدل رگرسیون می‌تواند به‌طور معناداری تغییرات متغیر وابسته را

پیش‌بینی کند که در اینجا سطح معناداری ( $Sig. T = 0/000$ ) بیانگر این است که مدل رگرسیونی معنادار است. جدول زیر همچنین اطلاعات دیگری در مورد متغیر پیش‌بین به ما می‌دهد همان‌طور که مشاهده می‌شود مقدار ثابت ( $Constant$ ) و متغیر سرمایه‌ی اجتماعی معنادار شده است. پس از تعیین معنادار بودن مقدار ثابت و متغیر سرمایه‌ی اجتماعی ستون ضریب بتا ( $Beta$ ) بیانگر ضریب رگرسیونی استاندارد شده یا مقدار بتا است که برابر با  $0/62$  است که نشانگر میزان تأثیر متغیر مستقل (سرمایه‌ی اجتماعی) بر متغیر وابسته (اقتدار ملی) است.

**جدول ۱۲:** نتایج تحلیل رگرسیون خطی ساده به سبک ورود برای پیش‌بینی اقتدار ملی از طریق مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی

**Table 12: Results of Simple Linear Regression Analysis in Input Style to Predict National Authority through Social Capital Components**

نام متغیر	B	ضریب بتا (Beta)	T-test	مقدار ثابت (Constant)	سطح معناداری (Sig...)
سرمایه‌ی اجتماعی	0/092	0/62	9/71	2/391	0/000
آماره‌های برآورد	دوربین واتسون (Durbin-Watson)	ضریب همبستگی (R)	ضریب تعیین (R Square)	F	انحراف معیار (Std. Error)
	1/71	0/62	0/39	94/44	0/900

### آزمون رگرسیون چند متغیره

در مقاله‌ی حاضر برای آزمون مدل پژوهش از آماره رگرسیون چند متغیره به شیوه‌ی گام به گام<sup>۱</sup> استفاده شده است. روش گام به گام روشی است که در آن قوی‌ترین متغیرها یک به یک وارد معادله می‌شوند و این کار تا زمانی ادامه می‌یابد که خطای آزمون معنی‌داری به ۵ درصد برسد. در این روش متغیرهای مختلف به ترتیب میزان اهمیتی که در تبیین متغیر وابسته داشته‌اند، وارد معادله می‌شوند و متغیرهایی که تأثیری در توضیح متغیر وابسته نداشته باشند، خارج از معادله قرار می‌گیرند البته خروج متغیرها در این روش به معنای کم اهمیت بودن آن‌ها نیست بلکه در این روش هدف انتخاب متغیرهایی است که قابلیت پیش‌بینی و تبیین بیشتری برای متغیر وابسته داشته باشند. همچنین متغیرهایی که در این پژوهش دارای سطح سنجش اسمی بوده است به صورت متغیرهای

<sup>1</sup> Stepwise

ساختگی یا تصنعی وارد معادله رگرسیونی شده‌اند. در این معادلات رگرسیونی برای متغیرهای درون معادله نظیر ضرایب رگرسیونی برای نمرات خام ( $B$ ) و نمرات استاندارد شده ( $Beta$ ) و نیز آزمون  $T$  برای ضرایب  $B$  را می‌توان در این جدول مشاهده نمود. نتایج جدول ۱۳ نشان می‌دهد که در اینجا چهار متغیر اعتماد سیاسی، انسجام اجتماعی، امنیت اجتماعی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی با هم وارد معادله رگرسیونی شده است. در مرحله اول، میزان اعتماد سیاسی با مقدار ( $Beta=0/23$ ) و ضریب معنی‌داری ( $Sig=0/000$ )، در مرحله دوم انسجام ملی با مقدار ( $Beta=0/26$ ) و ضریب معنی‌داری ( $Sig=0/000$ )، در مرحله سوم امنیت اجتماعی با مقدار ( $Beta=0/15$ ) و ضریب معنی‌داری ( $Sig=0/003$ ) و در مرحله چهارم مسئولیت‌پذیری اجتماعی با مقدار ( $Beta=-0/14$ ) و ضریب معنی‌داری ( $Sig=0/005$ ) به ترتیب میزان اهمیتی که در تبیین متغیر وابسته داشته‌اند، وارد معادله رگرسیونی شده‌اند و در مجموع توانسته‌اند ۴۱ درصد از واریانس متغیر وابسته را تبیین و پیش‌بینی کنند ( $R^2=0/41$ ).

جدول ۱۳: عناصر متغیرهای مستقل درون معادله برای پیش‌بینی اقتدار ملی

**Table 13: Elements of Independent Variables within the Equation to Predict National Authority**

$R^2$	معناداری	مقدار $T$	$Beta$	$B$	متغیر مستقل	متغیر وابسته
0/15	0/000	4/46	0/23	0/61	اعتماد سیاسی	مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی
0/21	0/000	5/50	0/26	0/70	انسجام ملی	
0/12	0/003	2/98	0/15	0/35	امنیت اجتماعی	
0/41	0/005	-2/82	-0/14	-0/34	مسئولیت‌پذیری اجتماعی	
$Constant = 31/48$ و $Durbin-Watson = 1/77$						

### جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در مقاله حاضر تلاش شد تا تأثیر سرمایه‌ی اجتماعی بر اقتدار ملی بررسی شود با تحولات صورت گرفته در عرصه‌ی جهانی و دگرگون شدن مفهوم قدرت، شکل سنتی قدرت و کاربرد آن با چالش مواجه شده و باعث شده تا چهره‌ی جدیدی از قدرت و اقتدار ملی که اجتماعی بوده و در پیوند با مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی است، در کانون توجه و عملکرد قرار گیرد.

بر اساس نتایج به دست آمده از تحقیق، مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی یعنی مشارکت سیاسی، اعتماد سیاسی، امنیت اجتماعی، انسجام اجتماعی، حمایت اجتماعی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی بر تحقق اقتدار ملی جمهوری اسلامی ایران در سطح ملی، منطقه‌ای و جهانی تأثیرگذار هستند. امروزه سرمایه‌ی اجتماعی، نقشی بسیار مهم‌تر از سرمایه‌ی فیزیکی و انسانی در جوامع به خصوص در زمینه‌ی امور حکومت‌داری، تقویت مشروعیت سیاسی، ارتقای ظرفیت نظام سیاسی و افزایش اقتدار ملی ایفا می‌کند.

از آنجایی که کسب مشروعیت سیاسی یکی از مهم‌ترین ارکان قدرت نرم و اقتدار ملی است و نقشی بسیار مهم در ایجاد اعتماد و وفاداری مردم به دولت دارد، باید به نقش سرمایه‌ی اجتماعی به‌عنوان عامل اساسی ایجاد وفاق، همبستگی و اعتماد ملی و مشروعیت سیاسی توجه ویژه‌ای داشت. به اعتقاد نگارنده مشروعیت سیاسی یکپارچگی و توان سیاست‌سازی از ارکان اصلی قدرت و اقتدار ملی در بعد داخلی و خارجی محسوب می‌شود و این مسئله خود ریشه در سرمایه‌ی اجتماعی یک جامعه دارد. در صورت بها دادن به مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی و برنامه‌ریزی مناسب در جهت ارتقاء آن در راستای سیاست‌های کوتاه و بلندمدت شاهد اثرات و نمودهای عینی آن در جامعه خواهیم بود و هر گونه افزایش یا کاهش سرمایه‌ی اجتماعی در لایه‌های مختلف، می‌تواند موجب کاهش یا افزایش قدرت و در نتیجه اقتدار داخلی و خارجی نظام سیاسی گردد.

در شرایط فعلی که دشمنان انقلاب اسلامی به دنبال ضربه زدن و تهی‌سازی قدرت از درون می‌باشد، کارگزاران نظام می‌بایست از مؤلفه‌های درونی قدرت غفلت نکرده و این مؤلفه‌ها را تقویت کنند. یکی از مؤلفه‌های درونی قدرت که پیوندی وثیق با بنیان‌های انقلاب اسلامی دارد نقش‌آفرینی و رضایت سیاسی مردم و در نتیجه تقویت سرمایه‌ی اجتماعی می‌باشد. در واقع تولید قدرت و اقتدار ملی ربط وثیقی با افزایش کمی و کیفی سرمایه‌ی اجتماعی دارد؛ چنانچه نظام سیاسی بتواند پیوندهای خود با جامعه و مردم را حفظ کند، نه تنها تهدیدات محیطی خنثی می‌شوند، بلکه موجب اقتدار در سطوح ملی و فراملی می‌شود. بنابراین ضروری است یک نوع بازگشت به تقویت مؤلفه‌های درونی قدرت صورت گیرد. صرف توجه و تأکید بر نفوذ و قدرت ژئوپلیتیک در بلندمدت نمی‌تواند اقتدار جمهوری اسلامی ایران را در سطح منطقه‌ای و جهانی حفظ کند. پیش‌شرط تحکیم و توسعه‌ی اقتدار ملی تقویت مؤلفه‌های درونی قدرت از جمله اعتمادسازی و کم کردن فاصله‌ی میان مردم و دولت و همچنین تقویت بنیه‌ی اقتصادی کشور می‌باشد.

### پیشنهادات پژوهش

- تقویت سرمایه‌ی اجتماعی و مؤلفه‌های آن در لایه‌های مختلف جامعه؛ بدون شک هر چه سطح انسجام، وحدت، اعتماد، مشارکت و مسئولیت‌پذیری افراد جامعه جهت پشتیبانی و حمایت از نظام سیاسی بالاتر باشد اقتدار حکومت در بُعد داخلی و خارجی نیز افزایش می‌یابد.
- اولویت‌بندی حوزه‌های تحقق اقتدار ملی؛ بدین معنا که هر دولتی به منظور آنکه بتواند در سطوح فراملی به قدرت و اقتدار نائل شود ابتدا می‌بایست از لحاظ درونی و ابعاد درونی قدرت و اقتدار را تقویت کند. از همین رو بدون توجه به مؤلفه‌های درونی قدرت و اقتدار نمی‌توان به تحقق اقتدار در سطح فراملی اندیشید. بنابراین پیش‌شرط تحقق اقتدار ملی، تقویت مؤلفه‌های درونی قدرت و اقتدار ملی می‌باشد.
- جلوگیری از فرسایش منابع مادی و معنوی سرمایه‌ی اجتماعی و استفاده‌ی بهینه از آن‌ها جهت تقویت قدرت ملی و تحقق اقتدار ملی.
- ترویج فرهنگ گفتگو با برگزاری همایش‌ها، نشست‌ها و جلسات گفتگو و تبادل نظر درباره‌ی شاخصه‌های اقتدار ملی.

**Reference:**

- Adler, P. S., & Kwon, S. W. (2002). "Social capital: Prospects for a new concept", *Academy of management review*, 27(1), 17-40.
- Afrough, E. (1999). *Subcultures, Participation and Social Cohesion Collection of Articles on Cohabitation and Public Culture*, Tehran: Publishing Organization of the Ministry of Culture and Islamic Guidance. (Persian).
- Ahmadi, M. (2016). *Identifying the Social Components of Soft Power in the Islamic Republic of Iran*, M.Sc. Thesis, and Shahid Bahonar University of Kerman. (Persian).
- Alam, A. (2009). *Foundations of the world of politics*, Tehran, Ney. (Persian).
- Amirkafi, M. (1996). *Social Trust and Factors Affecting It*, M.Sc. Thesis, Tehran, Shahid Beheshti University. (Persian).
- Aqahsini, A.; Mohammadifar, N.; Najafi, D. (2013). "Study of the relationship between social capital and the legitimacy of the political system (Case Study: University of Isfahan)", *Social Development Quarterly*, No. 3, pp. 155-181. (Persian).
- Baker, W. E. (1990). "Market networks and corporate behavior", *American journal of sociology*, 96(3), 525-689.
- Bayat, B. & et. al., (2012). "Meta-analysis of studies related to the feeling of social security", *Journal of Social Security Studies*, pp. 69-96. (Persian).
- Belliveau, M. A., O'Reilly III, C. A., & Wade, J. B. (1996). "Social capital at the top: Effects of social similarity and status on CEO compensation", *Academy of management Journal*, 39(6), 1568-1593.
- Biro, A. (1988). *Culture of Social Sciences*, translated by Baqer Sarukhani, Tehran, Kayhan. (Persian).
- Bourdieu, P. (1986). *The Forms of Capital*, Pp. 241-58 in *Handbook of theory and research for the sociology of education*, edited by John G Richardson. New York: Greenwood Press.
- Boxman, E. A., De Graaf, P. M., & Flap, H. D. (1991). "The impact of social and human capital on the income attainment of Dutch managers", *Social networks*, 13(1), 51-73.

Brehm, J., & Rahn, W. (1997). Individual-level evidence for the causes and consequences of social capital. *American journal of political science*, 999-1023.

Burt, R. S. (2009). *Structural holes: The social structure of competition*. Cambridge: Harvard university press.

Coleman, J. S. (1990). *Foundations of social theory*. Cambridge, MA: Belknap Press of Harvard University Press.

Coleman, James (1998). *Foundations of Social Theory*, Manouchehr Sabouri, Tehran, Ney. (Persian).

Conrad, D., & Hedin, D. (1985). *Instruments and scoring guide of the experiential education evaluation project*.

Dahl, Robert (1985). *Policy Analysis*, Tehran, Ney (Persian).

Dekker, P., & Uslaner, E. M. (2003). *Social capital and participation in everyday life*. Routledge.

Department of Security Studies, School of National Security, (2011). *Consolidation of Authority (Strategies and Trends)*, National Defense University Press. (Persian).

Eftekhari, A. (2001). *National Authority; Political Sociology of Power from Imam Khomeini's Perspective*, Tehran: Publications of the Political Ideological Organization of the Police Force. (Persian).

Fukuyama, F. (1995). *Trust: The social virtues and the creation of prosperity*. London: Hamish Hamilton.

Fukuyama, F. (1999). *Social Capital and Civil Society: Prepared for delivery at the IMF Conference on Second Generation Reforms*.

Fukuyama, F. (2007). *The End of Order: Social Capital and its Preservation*, translated by Gholamabbas Tavassoli, Tehran, New Pen Story Company. (Persian).

Gholami Abrestan, Gh. (2013). *Theory of National Authority of the Islamic Republic of Iran*, Tehran Higher National Defense University. (Persian).

Hassan Beigi, I.; Motaharnia, M. (2004). "A Short Discourse on Accountability, Authority and National Security", *Quarterly Journal of Islamic Revolution Thought*, No. 11 and 12, pp. 302-293. (Persian).



Hayat Moghaddam, A.; Sheriff, F.; Fallah, A. (2017). "Identification of factors related to the defense-security component to strengthen the internal structure of the system's power with emphasis on the menus of the Supreme Command of the Armed Forces", *Quarterly Journal of Defense Strategy*, No. 57, pp. 43-66. (Persian).

Haywood, A. (2010). *Introduction to Political Theory*, translated by Abdolrahman Alam, Tehran, Qoms Publishing. (Persian).

Hetherington, M. J. (1998). "The political relevance of political trust", *American political science review*, 92(4), 791-808.

Heywood, A. (2002). *Politics*, MacMillan, Palgrave.

Hooghe, M., & Kern, A. (2017). *Social Capital and the Development of Political Support in Europe*. In *Myth and Reality of the Legitimacy Crisis. Explaining Trends and Cross-National Differences in Established Democracies* (pp. 59-75). Oxford University Press.

Inglehart, R. (1997). *Modernization and postmodernization: Cultural, economic, and political change in 43 societies*. Princeton: Princeton University Press.

Jahantab, M. (2006). "Study of the Cultural Components of National Authority and the Role of the Armed Forces in It", *Law Enforcement Quarterly*, No. 32, pp. 26-42. (Persian).

Kazemi, A. A. (1999). *International Relations in Theory and Practice*, Tehran, Qoms. (Persian).

Khani, H. (2010). "Theoretical Components of National Authority in Islamic Foreign Policy with Emphasis on the Thoughts of Imam Khomeini", *Quarterly Journal of Strategic Studies*, pp. 167-149. (Persian).

Loury, G. (1992). "The economics of discrimination: Getting to the core of the problem", *Harvard Journal for African American Public Policy*, 1(1), 91-110.

Masoumi, M.; Padashi, M. (2015). "The Impact of Social Capital on the National Security of the Islamic Republic of Iran", *Quarterly Journal of New Research in Management and Accounting*, No. 37, pp. 269-284. (Persian).

Nahapiet, J., & Ghoshal, S. (1998). "Social capital, intellectual capital, and the organizational advantage", *Academy of management review*, 23(2), 242-266.

Narimani, A. (2016). "The Effect of Social Capital Components on Empathy, Linguistics and National Power", *Strategy Quarterly*, No. 53, pp. 65-95. (Persian).

Nazari, A.; Pourhosseini, M. J.; Hossein Pourmardi, S. H.; Zare Shaar, H. (2015). *The Impact of Political Participation on National Security*, The First International Conference on Civil Rights and Sustainable Development. (Persian).

Neuman, N. M. (1994). *Social research methods: qualitative and quantitative approaches*, Massachusetts, Ally and Bacon.

Parsa, M. (2013). *Strategies for Promoting the Soft Power of the Islamic Republic of Iran in the International Environment Based on the Opinions and Opinions of the Supreme Leader*, M.Sc. Thesis, Imam Khomeini International University, Faculty of Social Sciences. (Persian).

Portes, A. (1998). "Social capital: Its origins and applications in modern sociology", *Annual review of sociology*, 24(1), 1-24.

Portes, A., & Sensenbrenner, J. (1993). "Embeddedness and immigration: Notes on the social determinants of economic action", *American journal of sociology*, 98(6), 1320-1350.

Putnam, R. (1995). "Bowling Alone; America's Declining Social Capital", *Journal of Democracy*, 6(1): 65-78.

Root, D. (2007). *Christian Spirituality Maturity / Spiritual Authority*, in *Evangelism Heading and Teaching Resources*, available at: <<http://www.Lavyhands.Com/spiritualmaruritty-htm>>.

Schiff, M. (1992). "Social capital, labor mobility, and welfare: The impact of uniting states", *Rationality and Society*, 4(2), 157-175.

Sobhannejad, M. (2000). *Social Responsibility in the Current Curriculum of Iranian Elementary School and Design for the Future*, M.Sc. Thesis, Tarbiat Modares University. (Persian).

Soleimani, A. (2001). "Globalization and its relationship with national authority", *Journal of Humanities* (Imam Hossein University), No. 37, pp. 43-55. (Persian).

Tajbakhsh, K. (2005). *Social Capital, Trust, Democracy and Development*, translated by Afshin Khakbaz and Hassan Pouyan, Tehran, Shiraz. (Persian).

The victim is a sheikh; Kamran, Karami; Abbaszadeh, Hadi (2011). "Capabilities of Social Capital in Shaping Soft Power", *Quarterly Journal of Political and International Approaches*, No. 27, pp. 9-27-9. (Persian).

Thomas, C. Y. (1996). *Capital markets, financial markets and social capital (an essay on economic theory and economic ideas)*. *Social and Economic Studies*, 1-23.

Woolcock, M. (1998). "Social capital and economic development: Toward a theoretical synthesis and policy framework", *Theory and society*, 27(2), 151-208.

Zaki, M. A. (2008). "Reliability and Validity of the Social Support Scale in Isfahan University Students", *Iranian Journal of Psychiatry and Clinical Psychology*, No. 55, pp. 439-446. (Persian).

## Identifying the Influential Components of Social Capital on the National Authority of the Islamic Republic Of Iran (Case Study: Professors of Shahid Chamran University of Ahvaz)

*Ehsan Kazemi (Ph.D)<sup>1</sup>*

**DOI: 10.22055/QJSD.2021.17184**

### **Abstract:**

Political systems always seek to achieve their goals and aspirations after the formation of the government, however, the mere formation of governments cannot lead to the realization of goals and aspirations; Achieving political goals and ideals requires the acquisition of political authority and national authority. The main purpose of this article is to identify the influential components of social capital on the national authority of the Islamic Republic of Iran, which was done by survey method and using a questionnaire. The statistical population of the study is the professors of Shahid Chamran University of Ahvaz. A total of 150 people were selected based on sampling estimates using SPSS Sample Power software in the power analysis path. Statistical analyzes were performed using SPSS software. Based on the findings, the components of social capital namely political participation ( $r = 0.35$ ), political trust ( $r = 0.45$ ), national cohesion ( $r = 0.26$ ), social support ( $r = 0.38$ ), social security ( $R = 0.78$ ) and social responsibility ( $r = 0.67$ ) are effective in the realization of national authority. Also, the results of regression analysis show that the four variables of political trust, social cohesion, social security and social responsibility were the most important in predicting the dependent variable, ie national authority, respectively.

**Key Concepts:** *Social Capital, National Authority, Social Security, Political Participation*

---

<sup>1</sup> Assistant Professor, Department of Political Science, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran, e.kazemi@scu.ac.ir

